

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷

صفحات: ۱۰۱-۱۲۵

## نقش استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اقتصادی در تداوم حیات گروه‌های سلفی-تکفیری

رضا خراسانی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

محمد میرعبدلی\*

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

### چکیده

تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف خود نیازمند تأمین مالی هستند و به همین علت به راه‌های گوناگون قانونی و غیرقانونی متوسل می‌شوند. گروه‌های تندروی اسلامی نیز که از آنها می‌توان به عنوان تروریست‌های تکفیری نام برد، از این قاعده مستثنی نیستند و علی‌رغم تأکید بر مسائل ایدئولوژیک و مذهبی-معنوی، جهت رشد و موفقیت، جذب مخاطبان و پیروان از طریق تبلیغات، تأمین تسلیحات، انجام عملیات‌های تروریستی و سایر نیازهای روزمره خود نیازمند دسترسی به منابع مالی لازم برای تحقق اهداف خویش می‌باشند. لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش کلیدی می‌باشد که چه عواملی موجب تداوم حیات تروریسم تکفیری در مناطق گوناگون شده است؟ در راستای پاسخ‌گویی به پرسش مذکور این فرضیه مطرح شده است که به نظر می‌رسد یکی از عوامل موثر در عدم نابودی گروه‌های سلفی-تکفیری ناشی از تنوع راه‌های دسترسی تکفیری‌ها به منابع مالی متعدد و عدم وابستگی آنان به یک شیوه درآمدی جهت تأمین هزینه‌های خود می‌باشد. لذا در این رابطه مهم‌ترین منابع تأمین کننده نیازهای مالی گروه‌های تروریستی-تکفیری که نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری آنان در اتخاذ روش‌های مختلف درآمدزایی می‌باشد، در این پژوهش تشریح شده و چشم‌انداز رویکرد اقتصادی آنان در آینده نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** استراتژی و تاکتیک اقتصادی، تروریسم، گروه‌های سلفی-تکفیری، منابع

مالی.

امروزه جهان شاهد چالش‌گر جدیدی به نام تروریسم می‌باشد که در کنار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی توانسته است خود را به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در نظام بین‌الملل معرفی نماید. اغلب این بازیگران جدید مرکز ثقل فعالیت‌های خود را خاورمیانه قرار داده‌اند اما اهداف و اقدامات خود را تنها محدود به کشورهای این منطقه ندانسته؛ بلکه آنها را در سطح جهانی دنبال می‌کنند. در واقع یکی از عواملی که باعث شده است تروریسم به عنوان یک بازیگر بین‌المللی شناخته شود، گسترش دامنه فعالیت‌های آنان از مرزهای ملی یک کشور به سطح جهانی می‌باشد. این چالش‌گران جدید که به عنوان سلفیان تکفیری شناخته می‌شوند جهت تأمین هزینه‌ها و مخارج خود بویژه در راستای انجام حملات خرابکارانه و تروریستی، نیازمند دستیابی به منابع مالی می‌باشند که از آنجا که هریک از این گروه‌ها در منطقه خاصی و با شرایط متفاوتی فعالیت می‌کنند دارای اختلافاتی با یکدیگر و از آنجا که نمی‌توانند به راحتی و همانند سازمان‌ها و نهادهای قانونی به فعالیت اقتصادی بپردازند، دارای شباهت‌هایی با یکدیگر (از جمله قاچاق) در زمینه تأمین منابع مالی می‌باشند. در واقع آنچه که نگرانی در مورد گروه‌های سلفی-تکفیری را بیشتر کرده است، قدرت اقتصادی و راه‌های تأمین منابع مالی آنان می‌باشد چراکه یکی از عوامل موثر در قدرت‌یابی گروه‌های رادیکال اسلامی و رشد آنان، برخورداری از پشتوانه مستحکم مالی و کسب درآمدهای بالا است که در کنار دو ضلع دیگر یعنی «ایدئولوژی» و «رسانه»، مثلث قدرت گروه‌های تندرو اسلامی را شکل می‌دهد. لذا در این پژوهش تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که چه عواملی موجب تداوم حیات تروریسم تکفیری در مناطق گوناگون شده است؟ پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش، این فرضیه را دنبال می‌کند که به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم در عدم نابودی گروه‌های سلفی-تکفیری در مناطق مختلف و قدرت تأثیرگذاری آنان، ناشی از تاکتیک‌های گوناگون و راه‌های متنوع دسترسی گروه‌های تکفیری به منابع مالی جهت تأمین هزینه‌های خود می‌باشد.

در پژوهش حاضر بعد از توضیح مبانی نظری تحقیق، استراتژی اقتصادی گروه‌های سلفی-تکفیری بیان می‌گردند و سپس تاکتیک‌ها و روش‌های تأمین منابع مالی تروریسم تکفیری مورد واکاوی قرار خواهند گرفت. در انتها نیز پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری بحث ذکر خواهند شد.

### تمهیدات مفهومی و ابتناء نظری

مفهوم تروریسم تکفیری به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که از یکسو دارای اندیشه‌های سلفی-تکفیری هستند و از سوی دیگر با انجام اقدامات تروریستی خواهان پیشبرد اهداف خود می‌باشند

نقش استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اقتصادی در تداوم حیات گروه‌های... ♦

و امروزه مهم‌ترین این گروه‌ها عبارت‌اند از: القاعده، داعش، هیئت تحریر الشام، و بوکوحرام. یکی از عوامل مهم در ایجاد، قدرت‌گیری و حتی زوال این گروه‌ها چگونگی دسترسی به منابع مالی می‌باشد. در واقع هر اندازه که گروه‌های تکفیری و تروریستی بتوانند منابع مالی بیشتری را استحصال نمایند از قدرت نقش آفرینی بیشتری برخوردار خواهند بود. بر این اساس تأمین مالی تروریسم به فعالیت‌هایی که حمایت مالی برای افراد یا گروه‌های تروریستی فراهم می‌کند اطلاق می‌شود. به موجب بند اول ماده ۳ «کنوانسیون تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹» تأمین مالی چنین تعریف شده است: «ارائه یا جمع‌آوری وجوه، به هر وسیله، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برخلاف قانون و به طور عمد، به قصد یا با علم به این که به طور کلی یا جزئی، صرفاً اجرای اعمال تروریستی گردد» (حسینی، ۱۳۹۶: ۳۲). تعریف فوق دو جنبه مادی و معنوی جرم را همزمان پوشش می‌دهد.

منابع مالی گروه‌های تکفیری عمدتاً از دو طریق تأمین می‌گردد: درآمدزایی داخلی و کسب حمایت‌های مالی خارجی. این گروه‌ها علاوه بر کسب درآمد از فعالیت‌های اعضای خود از جمله دزدی، غارت، گروگان‌گیری، دریافت وجوهات شرعی و...، از کمک‌های خارجی سایر افراد، گروه‌ها و دولت‌ها نیز ممکن است برخوردار شوند که این امر را می‌توان در قالب مفهوم «ذی‌نفع سوم» تحلیل نمود. یک اصل محوری در نظریه جنگ پارتیزانی و چریکی وجود دارد که بر مبنای آن، مبارز نامتعارف از جهات سیاسی، نظامی و اقتصادی همواره وابسته به یک طرف دولتی وابسته است که ذی‌نفع سوم خوانده می‌شود. از نگاه نظریه‌پردازان جنگ‌های چریکی، تا زمانی که مبارزان چریک منافع ذی‌نفع سوم را تأمین می‌کنند مورد حمایت آن قرار می‌گیرند و هنگامی که منافع طرف ذی‌نفع سوم را به خطر اندازند با غضب آن مواجه می‌شوند (ابراهیمی فر و آزاد، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۵) که این غضب درجات مختلفی از قطع حمایت‌ها (غضب حداقلی) تا تلاش برای نابودی چریک‌های مذکور (غضب حداکثری) را در بر گیرد.

## استراتژی اقتصادی گروه‌های سلفی-تکفیری

گروه‌های تکفیری اقدامات و فعالیت‌های مالی و اقتصادی خود را عمدتاً در راستای دستیابی به دو هدف و استراتژی اساسی سامان‌دهی می‌نمایند:

### ۱. اهداف و اقدامات ایجابی: گروه‌های سلفی-تکفیری اگرچه تمام اقدامات خود را در

---

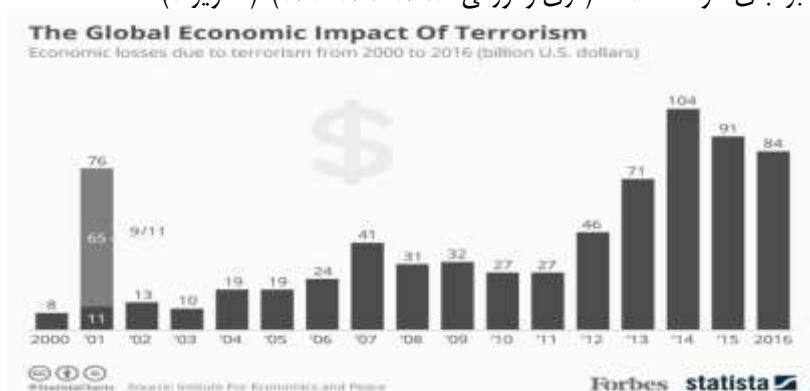
۱. این گروه از زمان تأسیس در سال ۲۰۱۱ تحت عنوان «جبهه‌النصره لاهل الشام» فعالیت می‌کرد و در ادامه نام خود را به «جبهه فتح الشام» و «هیئت تحریر الشام» تغییر داد اما به علت آنکه این گروه همچنان با عنوان اولیه خود بیشتر شناخته می‌شود، لذا در این پژوهش نیز از عنوان جبهه النصره استفاده خواهد شد.

راستای دستیابی به اهداف معنوی و غیرمادی مانند اقامه شریعت، توحید، از بین بردن شرک و بدعت‌ها و مواردی از این قبیل توجیه می‌کنند، اما تحقق این اهداف بدون صرف هزینه‌های مالی به سختی امکان‌پذیر می‌باشد. گروه‌های سلفی-تکفیری از آنجا که عموماً کنش‌گر می‌باشند، لذا با هزینه‌های گزافی نیز روبه‌رو هستند از جمله در زمینه‌های: تبلیغات جهت عضوگیری و بیان راهبردها؛ آموزش‌های دینی و نظامی به اعضا، خرید تسلیحات و ادوات نظامی؛ تأمین نیازهای روزمره همچون تغذیه اعضا؛ پرداخت حقوق و دستمزد به اعضای خود؛ و انجام عملیات‌های تروریستی. لذا گروه‌های تکفیری در صورتی می‌توانند در بلندمدت به حیات خود ادامه دهند که برنامه مشخصی برای هزینه‌های گوناگون خود داشته باشند.

**۲. اهداف و اقدامات سلبی:** علاوه بر مواردی که در بالا ذکر شدند و جنبه ایجابی داشتند، برخی از اقدامات اقتصادی گروه‌های سلفی-تکفیری جنبه سلبی نیز دارند زیرا از یکسو تلاش می‌کنند با انجام برخی اقدامات اقتصادی، به کشورهای گوناگون به دلیل عدم توانایی کافی در مواجهه نظامی با ارتش ملی این کشورها، ضربه و خسارت مالی وارد نمایند مانند سازمان القاعده که بخشی از اقدامات خود را بر جنگ اقتصادی متمرکز می‌کند؛ به عنوان مثال در واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، نخستین مکانی که مورد حمله قرار گرفت یک بخش اقتصادی به نام مرکز سازمان تجارت جهانی بود. همچنین بن‌لادن پس از این رویداد در بیانیه‌ای خطاب به ملت آمریکا در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۴ اعلام کرد: «القاعده برای حملات ۱۱ سپتامبر، ۵۰۰ هزار دلار هزینه کرد، در حالی که آمریکا در این واقعه بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار خسارت دید. به عبارت دیگر، خسارت‌های آمریکا بیش از یک میلیون برابر القاعده بود» (عطوان، ۱۳۹۱: ۲۸۵). همچنین بر اساس آمارهای منتشر شده هزینه‌های مبارزه آمریکا با شبکه‌های القاعده به حدود ۳ تریلیون دلار می‌رسد (Michael, ۲۰۱۴: ۵۴). برخی دیگر از اقدامات گروه‌های وابسته به القاعده و دیگر گروه‌های تکفیری جهت ضربه زدن به اقتصاد کشورها عبارت است از: حمله به مرکز تجارت جهانی در ۲۶ فوریه ۱۹۹۳ توسط شش تروریست وابسته به القاعده به رهبری رمزی یوسف (www.tasnimnews.com/ ۱۳۹۵/۱۱/۱۱)؛ حملات انتحاری علیه توریست‌های بلژیکی در سال ۲۰۰۸ و توریست‌های ژاپنی در سال ۲۰۰۹؛ تلاش برای منفجر کردن هواپیمای مسافری بر فراز شهر دیترویت آمریکا در دسامبر ۲۰۰۹؛ سوءقصد علیه تأسیسات صنعتی یمن در سال ۲۰۰۹؛ تلاش برای حمله به هواپیمای باربری آمریکا در اکتبر ۲۰۱۰ (موسوی و حسنی-نسب، ۱۳۹۴: ۸۸-۸۷)؛ حمله به خط لوله نفتی در شرق یمن در مارس ۲۰۱۲ (www.shana.ir/ ۱۳۹۰/۱۲/۱۳)؛ حمله تروریستی به خط لوله انتقال گاز مصر به اردن در شبه‌جزیره سینا در ۲۰ می ۲۰۱۴ (www.shana.ir/ ۱۳۹۳/۰۲/۳۱)؛ حمله تروریستی به خط لوله نفت لیبی در فوریه ۲۰۱۵ (www.mizenaft.com/ ۱۳۹۳/۱۱/۲۶) و آوریل

نقش استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اقتصادی در تداوم حیات گروه‌های... ۵

۲۰۱۸ (۱۳۹۷/۰۲/۰۲) [www.petrochemnews.ir/](http://www.petrochemnews.ir/); و حمله داعش به خط لوله نفت در شمال عراق در آوریل ۲۰۱۸ (۲۰۱۸/۰۴/۰۲) [www.aa.com/](http://www.aa.com/). این‌گونه اقدامات تروریستی، اثرات مخربی بر بخش‌های مختلف اقتصادی کشورها از جمله در زمینه‌های توریسم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت خارجی، بازارهای مالی و حوزه‌های گوناگون اقتصاد ملی کشورها بر جای خواهد گذاشت (دری‌نوگورانی، ۱۳۹۱: ۱۲۹-۱۲۱). (تصویر ۱).



تصویر ۱: ضررهای اقتصادی ناشی از تروریسم در جهان از سال ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۶ (منبع: [www.forbes.com/](http://www.forbes.com/) ۲۰۱۷/۱۱/۱۶)

اما از سوی دیگر برخی گروه‌های تکفیری با پرداخت حقوق بالاتر نسبت به دیگر گروه‌های تکفیری به اعضای خود، باعث وسوسه اعضای سایر گروه‌ها برای پیوستن به گروه ثروتمندتر می‌شوند و از این طریق می‌توانند خود را به عنوان گروه برتر (هژمون) در میان تکفیری‌ها معرفی نمایند. به عنوان مثال برخی از مبارزان که با حقوق ۶۰ دلار در ماه برای ارتش آزاد سوریه می‌جنگیدند، پس از مدتی این گروه را برای دریافت حقوق بیشتر ترک کرده و به جبهه-النصره که به آنها وعده ۳۰۰ دلار در ماه داده شده بود پیوستند و در ادامه داعش با اعلام اینکه حقوق جنگجویان را بالاتر خواهد برد، آنها و سایر افراد دارای مهارت را به سمت خود جذب کرد (Khatib, ۲۰۱۵: ۹).

## روش‌ها و تاکتیک‌های تأمین منابع مالی تروریسم تکفیری

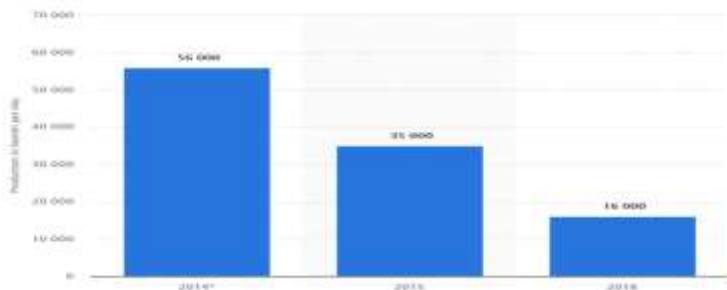
۱. درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی و معدنی: در میان مناطق مختلف جهان، منطقه خاورمیانه با دارا بودن ۸۰۷/۷ میلیارد بشکه ذخایر معادل ۴۸/۴٪ از کل ذخایر تثبیت شده نفت جهان، مقام اول را در این زمینه به خود اختصاص داده است ([www.isna.ir/](http://www.isna.ir/) ۱۳۹۳/۰۴/۳۱). همچنین میزان ذخایر گازی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بیش از ۴۲

درصد کل ذخایر گازی جهان را تشکیل می‌دهد (www.farsnews.com/ ۱۳۹۱/۰۹/۱۹) و لذا منطقه خاورمیانه به لحاظ ژئوانرژی یک منبع شگفت‌انگیز برای کسب درآمد محسوب می‌شود که گروه‌های رادیکال اسلامی نیز تلاش می‌کنند با دستیابی به این منبع عظیم درآمدی، هزینه‌های خود را تأمین نمایند. داعش بر خلاف گروه بوکوحرام که در کشور نفت‌خیز نیجریه قرار دارد اما توانایی درآمدزایی از طریق نفت را ندارد (www.rajanews.com/ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹)، توانست با تسلط بر برخی از مناطق نفت‌خیز و میادین نفتی در عراق و سوریه، درآمد زیادی را نصیب خود کند. بر خلاف اکثر گروه‌های تروریستی، داعش چندان وابسته به کمک‌های خارجی یا کمک مالی دولت نیست زیرا استراتژیست‌های داعش معتقدند که چنین اتکایی بر حمایت‌های خارجی موجب مرگ بسیاری از جنبش‌های جهادی پیشین شده است (Combating Terrorism Center at West Point, ۲۰۱۳). بنابراین بر خلاف القاعده که به شدت متکی به کمک‌های مالی از سوی حامیان خود در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس می‌باشد، داعش مدل متفاوتی از درآمدزایی را به علت سیطره بر مناطق نفت‌خیز در عراق و سوریه در پیش گرفته است (دهشیار، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۱) تا بتواند هزینه‌های گوناگون خود را بویژه برای مبارزه در سه جبهه یعنی عراق در شرق، کردها در شمال، و سوریه و سایر شورشیان در غرب و حامیان آنها تأمین کند (۳۰: Shapiro, ۲۰۱۶). این سازمان در دوران اوج قدرت خود هفت میدان نفتی سوریه را در استان‌های دیرالزور و رقه کنترل می‌کرد که عبارت بودند از: العمر (بزرگترین میدان نفتی سوریه)، تانک و جفرا، با ظرفیت کل تولید ۶۰ هزار بشکه در روز. داعش طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، در کشور عراق نیز ۱۳ میدان نفتی را در استان‌های نینوا، الانبار، صلاح‌الدین و کرکوک در اختیار داشت که آنها نیز ظرفیت تولید ۶۰ هزار بشکه در روز را داشتند (Associated Press, ۲۰۱۴/۰۹/۲۵) و حدود ۱/۵ الی ۲ میلیون دلار در روز را نصیب داعش می‌کردند (Masi, ۲۰۱۵). داعش همچنین بر چندین میدان گازی در سوریه و عراق تسلط یافته بود از جمله بزرگترین ذخایر گاز طبیعی عراق در میدان عکاظ واقع در استان الانبار که می‌توانست باعث درآمدزایی سالانه بین ۴۸۹ الی ۹۷۹ میلیون دلاری برای این گروه شود (Brisard & Martinez, ۲۰۱۴: ۷).

اگرچه منابع نفتی سود فراوانی را به دنبال دارند، با این حال داعش بنا بر دلایلی نمی‌تواند چندان بر درآمدهای نفتی خود تکیه کند: حملات هوایی ائتلاف به رهبری آمریکا که موجب کاهش بین ۳۰ الی ۵۰ درصدی درآمد نفتی داعش شده است (Rand, ۲۰۱۷: ۱۱)؛ هزینه بالای دستمزد برای کارکنان فعال در حوزه‌های نفتی؛ عدم دسترسی آسان به قطعات (Belli et al, ۲۰۱۴)، تجهیزات و تکنسین‌های ماهر در زمینه استخراج نفت (Johnson, ۲۰۱۴)؛ از بین رفتن زیرساخت‌های تولید و حمل و نقل نفت در اثر حملات هوایی و حملات هوایماهای بدون

نقش استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اقتصادی در تداوم حیات گروه‌های...  
 سرنشین (Lister, ۲۰۰۵) و هزینه بالای بازسازی و تعمیر آنها؛ فروش نفت قاچاق به ترکیه، کردستان و اردن با تخفیف‌های بسیار در هر بشکه که از ۲۰ الی ۱۰۰ دلار متغیر بود و باید بخشی از سود فروش نفت نیز به دلالت این حوزه می‌رسید (Levitt, ۲۰۱۴). لذا بعد از اعلام خلافت اسلامی از سوی داعش، به تدریج از ظرفیت و قدرت این گروه برای تولید نفت کاسته شده است. (تصویر ۲).

Estimated daily oil production of ISIS from 2014 to 2016 (in barrels)



تصویر ۲: برآورد تولید نفت روزانه داعش از سال ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۶

(منبع: [www.statista.com](http://www.statista.com))

اما با این حال در گزارش آگوست ۲۰۱۸ گوترش، دبیرکل سازمان ملل، نفت همچنان به عنوان منبع مالی مهمی برای داعش شناخته شده است که برای رفع نیازهای مالی خود و فروش آن در منطقه از روش‌های ابتدایی استخراج نفت استفاده می‌کند (www.irna.ir/ ۱۳۹۷/۰۶/۰۲).

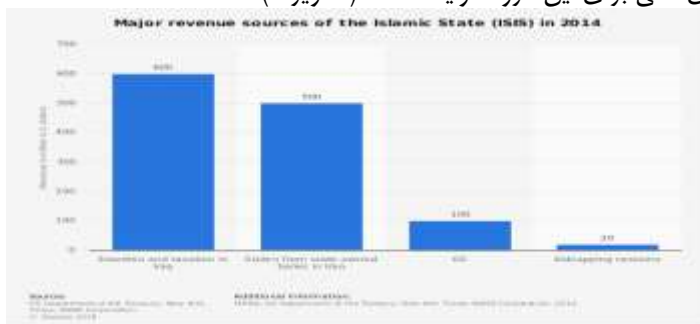
علاوه بر مباحث مربوط به سوخت‌های فسیلی، داعش بر برخی منابع معدنی در عراق و سوریه مسلط شده بود و از این طریق سرمایه فراوانی را نصیب خود می‌کرد از جمله: کنترل معدن فسفات «اکاشات» در استان الانبار عراق با درآمدی حدوداً ۵۰ میلیون دلار در سال؛ کنترل کارخانه تولید سولفوریک اسید و فسفریک اسید با سود سالانه معادل ۳۰۰ الی ۶۲۰ میلیون دلار؛ کنترل پنج کارخانه بزرگ سیمان در عراق و سوریه شامل: کارخانه الجلبیه در منطقه عین‌العرب؛ کارخانه سیمان گیوریس در رقه؛ و کارخانه‌های سیمان فلوجه، کوبایسا و القائم در عراق که درآمد سالانه تقریبی ۲۹۲ الی ۵۸۳ میلیون دلاری برای داعش ایجاد می‌کردند. به علاوه داعش کنترل برخی کارخانه‌های سولفور از جمله کارخانه «میشراق سولفور» در نینوا و معدن نمک سوریه در «التبانی» در منطقه دیرالزور را در اختیار گرفته بود (Brisard & Martinez, ۲۰۱۴: ۸). گروه داعش در کشور افغانستان نیز به استخراج منابعی چون پودر بوراکس و تالک از معادن این کشور در ولایت «ننگرهار» پرداخته است که ابتدا به پاکستان و

## ۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

سپس از آنجا به اروپا و آمریکا فرستاده می‌شود و صدها هزار دلار در سال برای داعش درآمدزایی دارد(۱۳۹۷/۰۳/۰۲/ [www.telexiran.com/](http://www.telexiran.com/)). علاوه بر داعش، گروه طالبان نیز از فروش ماده معدنی تالک در شرق افغانستان سالانه ۳۰۰ میلیون دلار کسب درآمد می‌کند و یکی از دلایل جنگ بین داعش و طالبان در این منطقه، بر سر کنترل این معادن می‌باشد(۱۳۹۷/۰۳/۰۵/ [www.borna.news/](http://www.borna.news/)). طالبان همچنین از طریق استخراج سنگ‌های قیمتی چون لاجورد به تأمین بخشی از منابع مالی خود می‌پردازد( [www.telexiran.com/](http://www.telexiran.com/) ۱۳۹۷/۰۳/۰۲) که یکی از این مناطق دره سوات در پاکستان با منابع سنگ‌های قیمتی چون زمرد می‌باشد و طالبان با استخراج این سنگ‌ها، آنها را در بازار سیاه به فروش می‌رساند (Zubair & Perlez, ۲۰۰۹). گروه الشباب در سومالی نیز توانسته است از طریق همکاری با گروه اتحاد دموکرات و آزادی‌بخش اوگاندا، به منابع طبیعی کشور جمهوری کنگو بویژه طلا و قاجاق آن به کشورهایی چون چین و امارات، منابع مالی خود را تقویت کند( [www.yjc.ir/](http://www.yjc.ir/) ۱۳۹۵/۰۱/۰۷). گروه الشباب و بوکوحرام همچنین از طریق تجارت مواهب طبیعی و حیوانات همچون قاجاق عاج فیل در آفریقا و صادرات آن به شرق آسیا نظیر چین و تایلند، بخشی از بودجه خود را تأمین می‌کنند( [www.bbc.com/persian/](http://www.bbc.com/persian/) ۲۰۱۵/۰۳/۲۳).

## ۲. اخذ مالیات و عوارض به عنوان وجوهات شرعی (زکات): با توجه به

محدودیت‌هایی که داعش در زمینه فروش نفت پیدا کرده بود، یکی از راه‌های جبران هزینه‌ها تمرکز بر دریافت مالیات بود به گونه‌ای که در سوریه درآمد حاصل از مالیات، از درآمد ناشی از فروش نفت سبقت گرفت(Paraskova, ۲۰۱۸). در کشور عراق نیز گروه داعش از همان آغاز خلافت شروع به اخذ مالیات از مردم این کشور می‌نمود به گونه‌ای که مالیات و اخذی حدود ۶ برابر درآمدهای نفتی برای این گروه عواید داشت. (تصویر ۳).



تصویر ۳: بزرگترین منابع درآمدی داعش در سال ۲۰۱۴ در کشور عراق

(منبع: [www.statista.com](http://www.statista.com))

در واقع گروه داعش تلاش داشت همانند دولت‌های مدرن، درآمدی پایدار از طریق اخذ



مالیات و عوارض برای خود ایجاد کند لذا یک نوع نظام مالیات‌گیری در مناطق تحت سیطره خود بوجود آورد از جمله در مورد مالیات بر سوخت و وسایل نقلیه؛ مالیات بر برداشت‌های نقدی از بانک‌ها؛ اخذ عوارض گمرکی از کامیون‌ها (FATF, ۲۰۱۵)؛ گرفتن مالیات در قبال پارک کردن خودروها؛ اخذ مالیات از داروخانه‌ها (نساج و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۹)؛ و مالیات بر کشاورزی که تنها در سال ۲۰۱۵ داعش توانست ۲۰ میلیون دلار از اقدام اخیر کسب درآمد نماید (Jones & Solomon, ۲۰۱۵). اما شاید بزرگترین منبع درآمد مالیاتی داعش، به طور غیرمستقیم از دولت‌های عراق و سوریه باشد چراکه هر دو دولت همچنان به کارکنان ساکن در مناطق تحت کنترل داعش حقوق پرداخت می‌کنند و این کارکنان نیز هنگامی که حقوق خود را دریافت کردند موظف به پرداخت مالیات آن به داعش هستند (Paletta & Entous, ۲۰۱۵). البته مقامات داعش موافق بکار بردن واژه مالیات نیستند و ترجیح می‌دهند آن را «زکات» که مربوط به خیرات اسلامی می‌شود و همه مسلمانان ملزم به پرداخت آن هستند بنامند (Engel, ۲۰۱۵). همچنین داعش چون خواهان تأسیس دولتی با ثبات بود، بخشی از درآمدهای مالیاتی را صرف خدمات عمومی می‌کرد (Callimachi, ۲۰۱۸). گروه طالبان نیز به علت آن که بر برخی از مناطق افغانستان تسلط دارد، بخشی از منابع مالی خود را از طریق دریافت مالیات تأمین می‌کند که این مالیات‌ها به صورت نقدی و غیرنقدی از کشاورزان (بویژه از مزارع کشت خشخاش)، فروشگاه‌ها، رانندگان و صاحبان معادن اخذ می‌گردد. (Peters, ۲۰۰۹: ۱۸-۱۹). گروه الشباب نیز در مناطقی که بر آنها کنترل دارد، اقدام به اخذ مالیات (زکات) از مردم بویژه کشاورزان و رانندگان می‌کند (Kiley, ۲۰۱۸). گروه بوکوحرام نیز طی سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۴ که دارای قلمرو سرزمینی قابل توجهی بود، از شهروندان ساکن شهرهای تحت کنترل خود مالیات اخذ می‌کرد (Zenn, ۲۰۱۳). گروه جبهه‌النصره نیز بیشترین منابع درآمدی خود را از راه مالیات‌ها، تعرفه‌ها و جریمه‌هایی که بر مردم تحت سیطره خود اعمال می‌کند بدست می‌آورد. از مهم‌ترین این مالیات‌ها می‌توان به مالیات بر درآمد، کسب‌وکار، خدمات، دسترسی به برق، آب و نان اشاره کرد (www.counterextremism.com).

**۳. قاچاق انسان، اشیای باستانی و مواد مخدر:** داعش با از دست دادن مناطق تحت سلطه خود که همانند یک دولت مدرن منابع مالی خود را از راه فروش نفت و سایر منابع معدنی و همچنین گرفتن مالیات تأمین می‌کرد، تاکتیک‌های اقتصادی را دنبال خواهد کرد که اکثر گروه‌های شورشی اسلامی دنبال می‌کنند. قاچاق انسان برای داعش به عنوان یک تأمین کننده بزرگ مالی مطرح نیست و به نوعی تنها برای تأمین نیازهای سربازان این گروه انجام می‌گیرد (FATF, ۲۰۱۵) و آنها نیز می‌توانند اسیران خود را به عنوان برده که قیمت‌شان از ۴۰ الی ۱۶۵ دلار متغیر است، به فروش برسانند (Smith, ۲۰۱۵) که اکثر آنان را زنان و کودکان

ایزدی تشکیل می‌دهند. البته برخی از گزارشات نیز نشان می‌دهند که داعش برخی از اعضای بدن زندانیان یا بردگان خود را قبل از اعدام به فروش می‌رساند (Ahlert, ۲۰۱۵). گروه بوکوحرام نیز بخشی از بودجه خود را از طریق قاچاق و فروش انسان تأمین می‌کند به عنوان مثال رهبر این گروه در پیامی ویدئویی که در ۵ می ۲۰۱۴ منتشر کرد، با چهره‌های خندان اعلام نمود که ۲۰۰ دانش‌آموز دختر ربوده شده را در بازار فروش انسان‌ها فروخته است (McCoy, ۲۰۱۴).

در مورد اشیاء تاریخی نیز آنچه در ویدئوهای تبلیغاتی داعش نمایش داده می‌شود، برخورد خشن آنان با مکان‌های باستانی می‌باشد اما این ویدئوها تنها بخشی از حقیقت را نشان می‌دهند چراکه داعش ابتدا اشیاء باستانی را جهت فروش از این اماکن خارج می‌کند و سپس آن مکان‌ها را برای از بین بردن شواهدی از آنچه غارت شده است تخریب می‌کند (Fisk, ۲۰۱۵). سپس آثار مربوط به دوران اسلامی به کشورهای حوزه خلیج فارس و آثار مربوط به دوران قبل از اسلام به اروپا و آمریکا فرستاده می‌شوند (Myers & Kulish, ۲۰۱۶) که گردش مالی آن ممکن است ۲۰۰ میلیون دلار در سال باشد (Adam, ۲۰۱۶). جبهه‌النصره نیز در زمینه قاچاق آثار هنری فعالیت می‌کند و این آثار را عمدتاً از خاک ترکیه به دیگر کشورهای اروپایی ارسال می‌کند. البته بیشتر فعالیت‌های این گروه در حوزه قاچاق را موارد مربوط به قاچاق مواد غذایی و فروش آن به شهروندان و افراد غیرنظامی که ناخواسته مورد تحریم دولت مرکزی سوریه قرار گرفته‌اند تشکیل می‌دهد (Trieibert & Komar, ۲۰۱۶).

در زمینه مواد مخدر نیز گروه داعش در برخی از مناطق تحت کنترل خود مانند «حمام-العلیل» و «محللیه» به تولید و کاشت مواد مخدر پرداخته است که درآمد حاصل از آن نزدیک به یک میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شود. همچنین داعش با تسلط بر برخی کارخانه‌های داروسازی بویژه کارخانه «آسیا» در حلب، اقدام به تولید قرص‌های مخدر و روان‌گردان همچون قرص‌های «کپتاگون» کرده است که بخشی از این مخدرها به اروپا و آفریقا صادر می‌شوند (نساج و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۵) و به تنهایی می‌توانند حدود ۲۰۰ میلیون دلار در سال برای داعش درآمد داشته باشند (Holley, ۲۰۱۵). گروه القاعده نیز گزارش داده است که قبل از فرار از افغانستان در سال ۲۰۰۱، از تجارت مواد مخدر خشخاش کسب منفعت می‌کرده است (Kaplan, ۲۰۰۶). همچنین خبرگزاری رویترز گزارش داده است که گروه‌های القاعده در غرب آفریقا، با گروه فارک از کلمبیا، در زمینه قاچاق مواد مخدر همکاری می‌کنند (Bronstein, ۲۰۱۰). از دیگر گروه‌های رادیکال اسلامی که به فعالیت در حوزه مواد مخدر می‌پردازد، طالبان است. این گروه از طریق قاچاق مواد مخدر و ارتباط با شبکه تجاری مافیای مواد مخدر به تأمین بخشی از بودجه خود می‌پردازد (فدوی و کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۶۱). دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۰۸ خود اعلام کرد که ۹۸٪ از تولید تریاک در افغانستان

نقش استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اقتصادی در تداوم حیات گروه‌های... ۵

(۷/۷۰۰ تن) از مناطق تحت کنترل طالبان به فروش می‌رسد که می‌تواند ۵۰ میلیون به علاوه ۱۲۵ میلیون دلار در سال ناشی از فروش ۵۰۰ تن هروئین و مورفین، برای طالبان درآمدزایی کند (Peters, ۲۰۰۹: ۲۳). بر اساس گزارش مرکز عملیات مبارزه با تروریسم سازمان مبارزه با مواد مخدر آمریکا، گروه بوکوحرام نیز در برخی از جنبه‌های تجارت جهانی مواد مخدر دخیل است (Thompson, ۲۰۱۵).

**۴-۴. اقدامات دریایی:** سه تنگه دریایی مهم یعنی هرمز، سوئز و مالاکا با خطر و تهدیدات تروریستی مواجه هستند (Rodrigue, ۲۰۰۴: ۳۷۲) که به این لیست می‌بایست خلیج عدن و تنگه باب‌المندب را به علت حضور دزدان دریایی سومالی اضافه کرد که در سال ۲۰۱۱ بنا به گفته دفتر بین‌المللی دریایی حدود ۲۳۷ حمله را در سواحل سومالی انجام دادند و با گروگان گرفتن صدها نفر، پول‌های بسیاری بدست آوردند. در آن سال دفتر بین‌المللی دریایی، هزینه جهانی دزدی دریایی را ۷ میلیارد دلار تخمین زده بود (Ward, ۲۰۱۷). آنچه که موضوع دزدان دریایی سومالی را پیچیده‌تر می‌کند، پیوند این افراد با گروه‌های تروریستی اسلام‌گرا همچون شاخه داعش در سومالی و گروه الشباب می‌باشد. به عنوان مثال گروه الشباب توانست در دسامبر ۲۰۱۰ کنترل یک پایگاه دزدان دریایی به نام «هارادھیر» را از تسلط حزب‌الاسلام، یکی دیگر از گروه‌های اسلام‌گرا در سومالی خارج کند و با دیگر گروه‌های دزدان دریایی توافق نماید که ۲۰٪ از عواید دریافتی حاصل از ربودن کشتی‌ها به الشباب پرداخت شود (Kambere, ۲۰۱۲). بر این اساس الشباب و گروه کوچک داعش در شمال شرق سومالی به نام «پونت‌لند» برای دستیابی به منابع پولی، سلاح و نیرو نیازمند حمایت دزدان دریایی می‌باشند و در همین راستا در سال ۲۰۱۷ تعداد ۱۲ حمله دزدی دریایی رخ داد (Kriel & Duggan, ۲۰۱۷). که یکی از مهم‌ترین آنها حمله به یک نفت‌کش پانامایی بود که با اقدامات دولت سومالی، این کشتی پس گرفته شد (Hourelid, ۲۰۱۷). گروه الشباب از مزایای دیگر دریا نیز بهره‌برداری اقتصادی می‌کند از جمله در زمینه ماهی‌گیری؛ صادرات ذغال چوب به کشورهای حوزه خلیج فارس که ماهانه ۵۰۰ هزار دلار را نصیب این گروه می‌کند؛ دریافت مالیات از سه بندر سومالی که سالانه درآمدی ۳۵ الی ۵۰ میلیون دلاری برای الشباب به همراه می‌آورد بویژه بندر «کیسمایو» که به تنهایی بیش از ۱۲ میلیون در سال درآمدزایی برای این گروه دارد (Kambere, ۲۰۱۲).

علاوه بر اقداماتی که در مناطق دریایی جهت درآمدزایی صورت می‌گیرد، برخی اقدامات گروه‌های سلفی-تکفیری در راستای ضربه زدن به اقتصاد کشورهای مختلف صورت می‌گیرد از جمله حمله گروه القاعده به یک نفت‌کش فرانسوی در یمن (خلیج عدن) که در سال ۲۰۰۲ صورت گرفت (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷)؛ حمله گروه ابوسیف به یک کشتی فیلیپینی در

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

سال ۲۰۰۴ (شرقی، ۱۳۹۴: ۱۴۳)؛ حمله اعضای القاعده شبه جزیره به یک کشتی نفتکش ژاپنی در آوریل ۲۰۰۸ (موسوی و حسنی نسب، ۱۳۹۴: ۸۷)؛ حمله انتحاری یکی از اعضای گردان‌های عبدالله عزام به نام ایوب الطیشان به نفتکش ژاپنی در ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۰ ([www.donya-e-1389/05/14](http://www.donya-e-1389/05/14))؛ به طور کلی تروریسم دریایی عمدتاً در راستای حمله به بنادر، سیستم‌های ناوبری دریایی، خطوط لوله نفت و گاز در دریا، خطوط ارتباطی و کشتی‌ها انجام می‌پذیرند (شرقی، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

**۵. غنائیم و آدمربایی (فدیه):** گروه جبهه‌النصره برای تأمین سرمایه، متکی بر غنائیم است و در هر نبرد پیش از مشارکت با دیگر گروه‌های مخالف شرط می‌کند که بیشترین سهم و بهره را از غنائیم داشته باشد. این امر در خلال حمله به همه پادگان‌های نظامی در شمال سوریه مانند پایگاه الشیخ سلیمان، الفوج ۴۶، خان طوفان و غیره حاصل شد و جبهه‌النصره را به تنها گروه نظامی در سوریه تبدیل کرد که از کمبود دارایی و خزانه گلایه نداشت (جکو، ۲۰۱۳). غنائیمی که جبهه‌النصره به دست می‌آورد، عمدتاً شامل تسلیحات و خودروهای نظامی دولت مرکزی سوریه می‌باشد که این گروه از آنها در نبردهای خود بهره می‌گیرد و یا آنها را در بازار سیاه به فروش می‌رساند (Triebert & Komar, ۲۰۱۶). گروه داعش نیز پس از فرار اقلیت‌های دینی از مناطقی که تحت کنترل این گروه بود، تمام اموال آنها را به عنوان غنیمت برای خود مصادره می‌کرد (نساج و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۸). علاوه بر غنائیم، گروه‌های سلفی-تکفیری اقدام به آدمربایی و دریافت پول در قبال آزادی آنان می‌نمایند. گروه داعش عمدتاً به دو دلیل اقدام به آدمربایی می‌کند: از یکسو جمع‌آوری ثروت و از سوی دیگر ارسال یک پیام سیاسی. افراد ربوده شده عمدتاً خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، مقامات امنیتی، اعضای سازمان‌هایی که کمک‌های بشردوستانه را توزیع می‌کنند و اعضای سازمان‌های بین‌المللی را در بر می‌گیرد (News Corp Australia, ۲۰۱۴). به همین علت این گروه سرمایه‌گذاری بزرگی در زمینه آدمربایی و دریافت پول در قبال آزادی آنان انجام داده است به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۴ درآمد داعش از این طریق حدود ۲۰ میلیون دلار تخمین زده شده است (Cohen, ۲۰۱۵). در سال ۲۰۱۷ نیز تنها در استان دیاله عراق، داعش توانسته است از طریق آدمربایی درآمدی نیم میلیون دلاری کسب نماید (www.shia-news.com/ ۱۳۹۶/۱۰/۰۶). گروه القاعده و گروه‌هایی که مستقیماً وابسته به آن هستند نیز بر اساس گزارش نیویورک تایمز، از سال ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۴ حداقل ۱۲۵ میلیون دلار فدییه دریافت کرده‌اند که ۶۶ میلیون دلار آن تنها در سال ۲۰۱۳ تأمین شده است. در این میان سهم القاعده در مغرب اسلامی ۹۱/۵، گروه الشباب ۵/۱ و القاعده

در شبه جزیره عربی ۲۹/۹ میلیون دلار بوده است.<sup>۱</sup> ناصرالوحیسی، رهبر القاعده در شبه جزیره عربستان در این رابطه می‌گوید: «ربایش گروگان‌ها یک غنیمت راحت است که به من امکان می‌دهد آن را به عنوان یک تجارت سودآور و یک گنج گران‌بها توصیف کنم که نیمی از مخارج نبردها را تأمین می‌کند» (Callimachi, ۲۰۱۴). جبهه‌النصره نیز میلیون‌ها دلار از راه دریافت فدیة کسب درآمد کرده است (Bauer, ۲۰۱۷: ۲۳۸). گروه ابوسیف در فیلیپین نیز که پیوند نزدیکی با القاعده دارد و به عنوان شاخه القاعده در این کشور جهت تشکیل دولت اسلامی در جنوب فیلیپین شناخته می‌شود (Reyes & Smith, ۲۰۱۵: ۲)، در دهه ۱۹۸۰ از سوی القاعده و شخص بن‌لادن و تحت پوشش سازمان بین‌المللی امداد اسلامی حمایت مالی می‌شد اما پس از قطع کمک‌های القاعده در دهه ۱۹۹۰، برای تأمین منابع مالی خود آدم‌ربایی‌های بی‌شماری را برای دریافت فدیة انجام داده است و قربانیان اصلی در این زمینه را اتباع خارجی، بازرگانان فیلیپینی، خبرنگاران و اعضای روحانیت مسیحی تشکیل می‌دهند (Gerdes et al, ۲۰۱۴: ۲۶۹). گروه ابوسیف بیش از ۹۰٪ از منابع مالی خود را توانسته است از این طریق جمع‌آوری نماید (O'brien, ۲۰۱۲: ۳۲۵). گروه بوکوحرام نیز بخشی از درآمد خود را از طریق دریافت فدیة تأمین می‌کند؛ به عنوان مثال در سال ۲۰۱۳، این گروه در قبال آزادی یک خانواده فرانسوی که به اسارت گرفته بود، مبلغ ۳ میلیون دلار دریافت نمود (McCoy, ۲۰۱۴). در آوریل ۲۰۱۴ نیز دولت کامرون مجبور شد برای آزادی گروگان‌های خود که توسط بوکوحرام به گروگان گرفته شده بودند، ۶۰۰ هزار دلار به این گروه بپردازد (Rock, ۲۰۱۶: ۸).

## ۶. کمک افراد و کشورهای خارجی (ذی نفع سوم): در دوره‌های مختلف، نیاز

تروریست‌ها به منابع مالی موجب می‌گردد تا با توجه به همپوشانی منافع آنها با برخی از دولت‌ها، حامیان مالی از میان دولت‌ها به دست آورند. لذا دولت‌های حامی تروریسم با صرف چنین هزینه‌هایی منافع خود را از شیوه‌های نامشروع دنبال می‌نمایند (چاووشی و کرامتی‌معز، ۱۳۹۷: ۱۰۹). در همین راستا نیز برخی از افراد و کشورهای اسلامی برای دستیابی به بخشی از اهداف خود، به گروه‌های اسلامی رادیکال کمک مالی می‌کنند از جمله کشور قطر که برای تحقق دو سیاست کلان خود یعنی تقویت نفوذ قطر در سطح جهانی و حفظ ایمنی خانواده حاکم، برخی از گروه‌های افراطی اسلامی را تأمین مالی کرده است. در مورد داعش می‌توان به اقدام «عبدالکریم آل ثانی»، یکی از اعضای خانواده حاکم قطر در اوایل سال ۲۰۰۰ اشاره کرد که

<sup>۱</sup> کشورهای که بیشترین مبلغ را برای پرداخت فدیة (پول برای آزادی گروگان‌ها) به القاعده پرداخت کرده‌اند به ترتیب عبارت‌اند از: فرانسه ۵۸/۱، قطر و عمان ۲۰/۴، سوئد ۱۲/۴، اسپانیا ۱۱ و اتریش ۳/۲ میلیون دلار.

برای ابومصعب الزرقاوی و شبکه وی در هنگام ایجاد پایه‌های داعش، گذرنامه و خانه امن فراهم نمود (Boghardt, ۲۰۱۴). اگرچه حکومت قطر اتهام حمایت مالی از داعش را رد می‌کند، اما اسنادی وجود دارند که نشان دهنده ارسال کمک‌های مالی از داخل خاک قطر برای داعش بوده است (Taylor, ۲۰۱۴). لذا دیوید کوهن معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا در مارس ۲۰۱۴ اعلام کرد که قطر یک کشور تسهیل‌کننده برای سرمایه‌گذاری تروریستی است (Levitt, ۲۰۱۴). کشور قطر همچنین از وابستگان القاعده نیز حمایت مالی به عمل می‌آورد. گروه جبهه‌النصره که از وابستگان به القاعده است، با شکل‌گیری داعش و ایجاد شکاف و تعارض بین این دو گروه، نیازمند دریافت کمک‌های خارجی گردید و به این ترتیب میلیون‌ها دلار از طریق شبکه‌های خصوصی در خلیج فارس که عمدتاً از سوی قطر تسهیل می‌شود، به این گروه می‌رسد (Bauer, ۲۰۱۷: ۲۳۷-۲۳۸). به عنوان مثال از سال ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۶ کشور قطر به بهانه پرداخت فدی، ۲۷ میلیون دلار به جبهه‌النصره پرداخت کرده است و این در حالی است که گروهان‌های جبهه‌النصره ملیتی غیرقطری داشتند. همچنین مطابق گزارش‌های سالانه وزارت خارجه آمریکا، همچنان افرادی از داخل خاک قطر به حمایت مالی از گروه‌های تروریستی و افراطی، به ویژه وابستگان منطقه‌ای القاعده مانند جبهه‌النصره ادامه می‌دهند (Al-Mesbar, ۲۰۱۸). عربستان سعودی نیز از شناخته شده‌ترین تأمین‌کنندگان مالی برای گروه‌های جهادی-سلفی می‌باشد که در دهه‌های گذشته، ۱۰۰ میلیارد دلار برای گسترش اسلام‌گرایان افراطی در خارج از کشور به بهانه کارهای خیریه برای مسلمانان نیازمند و پناهندگان، اختصاص داده است و در اسناد ویکی‌لیکس که در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، در برخی از این اسناد هیولاری کلینتون بیان کرده بود که اهداکنندگان سعودی، مهم‌ترین منبع کمک‌های اعطایی به تروریست‌های سنی در سراسر جهان هستند (Norton, ۲۰۱۶). از دلایل حمایت عربستان از داعش می‌توان از یکسو به تلاش برای گسترش وهابیسیم و از سوی دیگر تلاش برای مقابله با شیعیان اشاره کرد (Cockburn, ۲۰۱۴). عربستان از دیگر گروه‌های رادیکال نیز حمایت می‌کند به عنوان مثال یکی از محکومین حملات ۱۱ سپتامبر در اعترافات خود بیان کرد که شماری از اعضای خانواده سلطنتی عربستان، القاعده را قبل از حملات ۱۱ سپتامبر تأمین مالی کرده‌اند (Peled, ۲۰۱۵). پلیس پاکستان نیز در سال ۲۰۰۹ گزارش داد که سازمان‌های خیریه عربستان همچنان به تأمین مالی القاعده، طالبان و لشکر طیبه مشغول هستند و در این راه ۱۵ میلیون دلار به جهادیون کمک کرده‌اند. در ماه می ۲۰۱۰ نیز خبرگزاری «بورااث» در عراق از اسناد حمایت مالی و تسلیحاتی عربستان از القاعده در عراق پرده برداشت. در مقاله‌ای نیز که در ۳۱ می ۲۰۱۰ در روزنامه «سندی تایمز لندن» منتشر شد، اعلام شد که از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۰ حداقل ۱/۵ میلیون دلار پول از عربستان برای طالبان قاچاق شده است که بخشی از آن را القاعده در

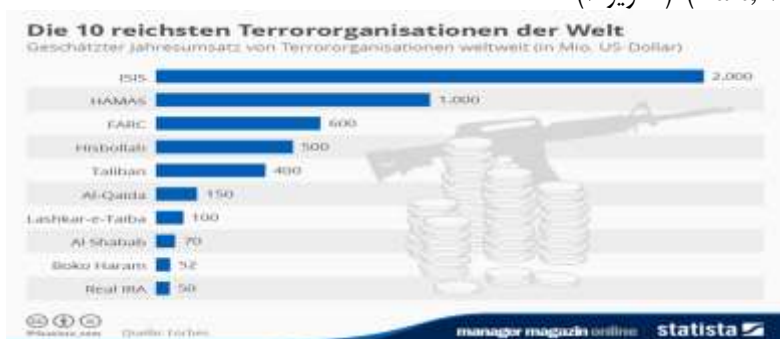
پاکستان برای خود ضبط کرده است (Ehrenfeld, ۲۰۱۱). سپاه صحابه نیز از دیگر گروه‌هایی است که از سوی برخی کشورهای عربی بویژه عربستان حمایت مالی می‌شود و همین حمایت‌ها توانسته است سپاه صحابه را به یک جریان بزرگ در پاکستان و خارج از پاکستان تبدیل کند (اکرم‌عرفی، ۱۳۸۰: ۲۷۳). کشور کویت نیز به علت دارا بودن جمعیت اکثراً سنی، حامیانی از داعش را در خود جای داده است که از این طریق می‌تواند به مقابله با ایران و شیعیان بپردازد. از جمله حمایت‌های کویت از گروه‌های سلفی-تکفیری می‌توان به اجازه دادن کانال‌های تلویزیونی و رسانه‌های اجتماعی کویت به جهادیون و سازمان‌های خیریه نظیر «انجمن علمی دانشگاه کویت» برای جمع‌آوری کمک‌های مالی جهت تأمین اسلحه و مبارزان از آغاز سال ۲۰۱۳ اشاره کرد که میلیون‌ها دلار را میان داعش و جبهه‌النصره تقسیم کردند (Gilligan, ۲۰۱۴). القاعده نیز به دریافت منابع مالی بسیار ضروری از افراد و سازمان‌های خیریه در کویت می‌پردازد. القاعده همچنین از گروه‌های «لشکر جهنگوی» (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۹۱) و «لشکر طیبه» نیز کمک مالی دریافت کرده است. به علاوه درخواست‌های عمومی از القاعده برای دریافت پول، گاه با روش‌های خلاقانه جمع‌آوری پول نظیر معاملات پیچیده اینترنتی و تلفنی صورت گرفته است (Jacobson & Levitt, ۲۰۰۹: ۱۲-۱۳). طبق گزارش کارگروه CFR در سال ۲۰۰۲، سال‌ها افراد و سازمان‌های خیریه مستقر در عربستان سعودی مهم‌ترین منبع تأمین بودجه برای القاعده بودند (Kaplan, ۲۰۰۶) و بسیاری از این کمک‌ها تحت عنوان زکات به دست القاعده می‌رسد. مهم‌ترین سازمان‌های خیریه‌ای که خواهان همکاری با القاعده هستند عبارت‌اند از: شاخه‌های مختلف «الحرمین» وابسته به سعودی‌ها؛ بنیاد امداد جهانی؛ سازمان بشردوستانه «الوفا»؛ کمیته پشتیبانی افغانستان؛ سازمان «البرکات»؛ و بنیاد «موافق» به همراه برخی سازمان‌هایی که ناخواسته با القاعده همکاری می‌کنند مانند جامعه احیای اسلامی در کویت و سازمان بین‌المللی امداد اسلامی (Rand, ۲۰۰۵: ۷۵-۷۶). گروه الشباب نیز از کشور اریتره؛ کشورهای حوزه خلیج فارس؛ برخی شرکت‌های سومالیایی که در نقاط مختلف دنیا فعالیت می‌کنند؛ سازمان‌های خیریه‌ای چون «آژانس مسلمانان آفریقایی در کویت»، «انجمن هلال احمر امارات»، سازمان «اصلاح»، گروه «دیاسپورای سومالی در عربستان»، «لیگ جهانی اسلامی»، انجمن خیریه «جامعه دواءالاسلامیه» و سازمان «الوفاء»، و سیستم «حواله» عمدتاً تحت عنوان زکات کمک مالی دریافت می‌کند (Kambere, ۲۰۱۲).

به طور کلی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس سه هدف عمده را از طریق حمایت از گروه‌های افراط‌گرای اسلامی دنبال می‌کنند: ۱. ترس آنان از حملات این گروه‌ها، زیرا به عنوان مثال داعش با دریافت کمک‌های مالی از این کشورها، به آنان وعده می‌دهد که عملیات در خاکشان انجام ندهد (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۷۱)؛ ۲. مقابله با ایران و شیعیان و حامیان آنها؛ ۳. افزایش

نفوذ خود در سایر کشورهای منطقه.

## ۷. اقدامات اینترنتی، بانکی و سرمایه‌گذاری: گروه‌های تکفیری گاهی بانک‌ها را

غارت و چپاول می‌کنند و گاه از آنها در راستای نقل و انتقالات بانکی و سرمایه‌گذاری‌های قانونی جهت حفظ و افزایش توان مالی خود استفاده می‌کنند. بر اساس گزارش بانک مرکزی کشور عراق، گروه داعش در سه سال تحت کنترل گرفتن شهرهای بزرگ عراق از سال ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۷، بیش از ۸۰۰ میلیون دلار از امکانات و ذخایر بانک‌های عراق را غارت کرد (Moore, ۲۰۱۷) که تنها حدود ۴۳۰ میلیون دلار آن در سال ۲۰۱۴ از بانک مرکزی موصل از شمال عراق چپاول شد و داعش را به ثروتمندترین گروه تروریستی جهان تبدیل کرد (Tait, ۲۰۱۴). (تصویر ۴).



تصویر ۴: ده گروه تروریستی ثروتمند جهان (منبع: [www.sttista.com](http://www.sttista.com))

علاوه بر بانک مرکزی موصل، بیش از ۶۰ بانک دولتی و خصوصی دیگر نیز از زمان پدیداری داعش در عراق مورد سرقت این گروه قرار گرفته‌اند (نساج و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۶). گروه بوکوحرام نیز صدها بانک را غارت کرده است و مبلغ سرقت شده ۶ میلیون دلار تخمین زده می‌شود (Weber, ۲۰۱۴). داعش برای حفظ ثروت خود که از راه‌های غیرقانونی حاصل شده است، آنها را در حوزه‌های قانونی سرمایه‌گذاری کرده است. واسیلی بنزیا، سفیر روسیه در سازمان ملل در نشست شورای امنیت این سازمان در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد در پی کاهش قابل توجه منابع اصلی درآمد داعش، این گروه در بازار سهام و دیگر حوزه‌های تجاری قانونی در سراسر جهان مانند گردشگری، کشاورزی، پرورش ماهی، داروسازی و تأسیس شرکت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند تا بدین شکل بتواند نقدینگی‌اش را افزایش دهد (۱۳۹۷/۰۶/۰۳). [www.etemaadonline.ir/](http://www.etemaadonline.ir/). موضوع وقتی بحرانی‌تر می‌شود که داعش بخشی از پول خود را روی کسب و کارهای مشروع و قانونی در عراق سرمایه‌گذاری کرده است که اگر به صورت ناگهانی آنها را از عراق خارج کند، ضربه مالی سنگینی به نظام اقتصادی عراق



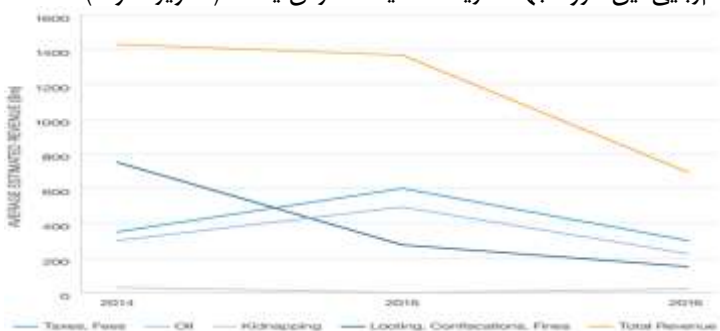
وارد خواهد کرد (۱۳۹۶/۱۲/۰۵) [www.newspaper.hamshahri.org/](http://www.newspaper.hamshahri.org/). گروه القاعده نیز سرمایه‌گذاری‌ها و کسب و کارهایی را در نقاط مختلف دنیا راه‌اندازی کرده است مانند سرمایه‌گذاری در صندوق‌های بانکی در جهان اسلام و سایر نقاط جهان؛ سرمایه‌گذاری‌های بن‌لادن در ۳۶ موسسه که در زمینه‌های ارز، کشاورزی، ژنتیک، میلان، پرورش حیوانات، دوچرخه‌سازی و واردات و صادرات بین‌المللی فعالیت می‌کردند؛ سرمایه‌گذاری القاعده در یک معدن در تانزانیا؛ انجام فعالیت‌های بانکی در قبرس و ترکیه؛ خرید سهام صنایع تجهیزات بیمارستانی در سوئد، صنایع لبنیات در دانمارک و کارخانه‌های تولید کاغذ در نروژ توسط القاعده؛ سرمایه‌گذاری بن‌لادن در بخش املاک در آفریقا، آسیای مرکزی و اروپا و در اختیار داشتن بخشی از سهام بورس‌های جهان از جمله در فرانسه و اروپا (۷۸-۷۹: ۲۰۰۵: Rand). گروه القاعده همچنین از اینترنت برای افزایش درآمد کمک می‌گیرد از جمله استفاده از اینترنت برای جعل هویت و کارت‌های بانکی؛ فروش کتاب‌های خود؛ و استفاده از امکانات مختلف اینترنت بویژه ایمیل برای درخواست کمک‌های مالی. این گروه برای جابه‌جایی ثروت و سرمایه خود، علاوه بر روش‌های سنتی همچون قاچاق عمده پول یا خرید کالاهای گران‌بها همچون طلا و سنگ‌های قیمتی، بسته به نیازهای عملیاتی و خطرات ناشی از آن، می‌تواند سیستم مالی جهانی، نظام بانکی اسلامی یا سیستم پرداخت پولی غیررسمی مانند «حواله» را انتخاب نماید (۸۲: ۲۰۰۵: Rand). داعش نیز از طریق برنامه‌های کاربردی همچون واتس‌آپ و کیک که اجازه ثبت‌نام کاربری بدون ارائه شماره تلفن را می‌دهد و امکان شناسایی را غیرممکن می‌کند به جمع‌آوری کمک‌های اهدایی می‌پردازد (محروق، ۱۳۹۴: ۱۴۳). بخشی از کمک‌های ارسالی به جبهه‌النصره که از طریق شوریهایی چون کویت، قطر و عربستان سعودی ارسال می‌شود، از راه شبکه‌های اجتماعی و بانکداری نوین صورت می‌گیرد به گونه‌ای که پول‌های ارسالی از طریق بانک‌های واسطه به اردن و ترکیه می‌رسد و افرادی در آنجا تنها با استفاده از یک نام و رمز پول را برداشت می‌کنند و به جبهه‌النصره می‌رسانند ([www.maps.southfront.org/](http://www.maps.southfront.org/)). گروه طالبان نیز برخی از درآمدهای فروش مواد مخدر خود در خارج از افغانستان بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس، از طریق شبکه‌های انتقال اعتبار غیررسمی مانند سیستم «حواله» و صرافی‌هایی چون «صرافی انصاری نوین» انجام می‌دهد (Rollins & Sun ۱۱: ۲۰۱۳: Wyler). گروه الشباب نیز تا سال ۲۰۱۵ از طریق موبایل نقل و انتقالات پولی خود را بویژه از کنیا هدایت می‌کرد اما با محدودیت‌های شکل گرفته، این گروه از طریق تاجران سومالیایی که با بانک‌های کشورهای حوزه خلیج فارس بویژه سیستم «حواله» در دبی ارتباط دارند اقدام به پولشویی از جمله در موارد مربوط به شکر و ذغال چوب می‌کند (Fanusie & Entz, ۲۰۱۷: ۴).

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

لذا امروزه آنچه به اقتصاد گروه‌های سلفی-تکفیری کمک فراوانی می‌کند، رشد فناوری‌های ارتباطاتی و انتقالی پول از طریق اینترنت می‌باشد. به عنوان مثال داعش با اداره رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، اقدام به تشویق حامیان مالی کرده و یک کمپین بازاریابی را به شیوه آنچه مطابق با استانداردهای کمپانی‌های بزرگ می‌باشد، به راه انداخته است (زاهدی و پورقره‌خان، ۱۳۹۶: ۱۰۰). به طور کلی فضای مجازی امکانات بیشتری را برای انجام اقدامات اقتصادی گروه‌های تکفیری فراهم نموده است از جمله در زمینه‌های: کلاه‌برداری در زمینه کارت‌های اعتباری؛ قاچاق مواد مخدر؛ اخاذی؛ خرید غیرقانونی اسلحه و مهمات؛ جعل هویت؛ پول شویی؛ و استفاده از رمزنگاری ارزها، مانند «بیت‌کوین» برای خرید و فروش کالاهای قاچاق و خدمات در فضای مجازی. به عنوان مثال یکی از راه‌های خرید از سایت «SadaqaCoins» که نخستین سایت مالی رمزنگاری شده جهانی در جهان می‌باشد، و عمدتاً اجناس با کاربرد نظامی را عرضه می‌کند، استفاده از ارزهای رمزنگاری شده همچون بیت‌کوین می‌باشد (Huynh, ۲۰۱۸).

### نتیجه‌گیری

با بررسی مطالب مطرح شده از یکسو می‌توان شیوه‌های متنوع کسب درآمد گروه‌های سلفی-تکفیری و انعطاف‌پذیری مالی آنان را مشاهده نمود به گونه‌ای که هرگاه درآمدهای آنان در یک حوزه با مشکل مواجه می‌شود، به فعالیت در سایر حوزه‌های اقتصادی روی می‌آورند. به عنوان مثال با افول درآمدهای گروه داعش از طریق فروش نفت و اخذ مالیات در سال ۲۰۱۵، فعالیت‌های آدم‌ربایی این گروه جهت دریافت فدیة گسترش یافت. (تصویر ۵ و ۶).



تصویر ۵: میزان درآمد داعش از سال ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۶

(منبع: ۱۱: ۲۰۱۷، Heibner et al)



تصویر ۶: مهم‌ترین منابع درآمدی داعش در سال‌های ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۶

(منبع: ۱۱: ۲۰۱۷، Heibner et al)

دو تصویر فوق گویای این مطلب می‌باشند که هرچه اتکای داعش بر درآمدهای مالیاتی و فروش نفت بیشتر می‌شد، اقداماتی نظیر آدم‌ربایی کاهش می‌یافت اما با از دست رفتن سرزمین‌های تحت کنترل داعش و به تبع آن کاهش درآمدهای نفتی و مالیاتی، بر اهمیت دیگر روش‌های درآمدزایی نظیر آدم‌ربایی جهت دریافت فدیة افزوده شد.

همچنین از سوی دیگر بر اساس داده‌ها و مطالب مذکور، انتظار می‌رود در کنار روش‌های سنتی، روش‌های نوین تأمین منابع مالی نیز از سوی گروه‌های سلفی-تکفیری در آینده مورد استفاده قرار گیرد اما همچنان روش‌های سنتی نقش پررنگ‌تری در این زمینه ایفا خواهند نمود و شیوه‌های نوین تجارت الکترونیک بیشتر در زمینه نقل و انتقالات پولی مورد بهره‌برداری قرار خواهند گرفت. همچنین با توجه به جغرافیای حضور گروه‌های رادیکال اسلامی و موقعیت ژئوپلیتیکی کشورهایی که در آنها فعالیت می‌کنند، اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی آنان در برخی زمینه‌های تأمین منابع مالی متفاوت خواهد بود به گونه‌ای که با توجه به عدم تغییر جدی در وضعیت کشورهایی همانند پاکستان و افغانستان، گروه‌های القاعده، طالبان و دیگر گروه‌های افراطی فعال در این مناطق همچنان بر کسب درآمدهای سنتی خود تمرکز خواهند کرد. در کشورهای آفریقایی نیز با توجه به عدم تغییر محسوس در وضعیت سیاسی، اقتصادی، و امنیتی این کشورها، گمان می‌رود گروه‌های افراط‌گرای فعال در این کشورها همچنان منابع مالی خود را از راه‌هایی که تاکنون کسب می‌کردند، تحصیل نمایند. اما در منطقه غرب آسیا، با توجه به شکست‌های متوالی گروه‌های سلفی-تکفیری در این مناطق بویژه کشور سوریه، انتظار می‌رود بخشی از منابع مالی این گروه‌ها تضعیف شود چراکه با کنترل دولت مرکزی سوریه و عراق بر تمامیت ارضی خود، برخی از منابع درآمدی گروه‌های تکفیری همچون استخراج و فروش منابع معدنی بویژه نفت، انواع قاچاق، و دریافت وجوهات شرعی همچون زکات از بین رفته یا با کاهش چشم‌گیری در آینده مواجه شود و به مرور زمان آنان را به سمت کسب درآمد از طریق شیوه‌های نوین اقتصادی همچون کسب و کارهای اینترنتی و سرمایه‌گذاری‌های قانونی در بازار سهام کشورهای مختلف حتی کشورهای غربی سوق دهد.

## منابع

- ابراهیمی فر، ظاهره و آزاد، امیرحامد (۱۳۹۶). «علل بقای شبکه‌های اقتصادی سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه در عرصه ارتباطات سیاسی»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، شماره ۳۹، سال ۱۳، صص ۲۳-۴۴.
- اکرم‌عارفی، محمد (۱۳۸۰). «پاکستان و بنیادگرایی اسلامی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۱۶، سال ۴، صص ۲۶۱-۲۷۸.
- توکلی، سعید (۱۳۹۳). «القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات»، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۲۳، سال ۷، صص ۱۹۵-۱۵۱.
- چاووشی، محمدصادق و کرامتی‌معز، هادی (۱۳۹۷). «چالش‌ها و موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، شماره ۴۲، سال ۱۴، صص ۱۰۵-۱۲۳.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۹۶). «مقابله با منابع مالی گروه‌های تروریستی و تکفیری در پرتو اسناد حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه حقوق**، شماره ۱۶، دوره ۵۰، صص ۲۹-۴۲.
- دری‌نوگورانی، حسین (۱۳۹۱). «اقتصاد تروریسم: مفاهیم، محورهای اساسی و مطالعات تجربی»، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۱۶، سال ۵، صص ۱۳۴-۱۰۵.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۵). «گسل‌های هویتی و اقتصاد سیاسی گروه داعش»، **فصلنامه سیاست جهانی**، شماره ۳، دوره ۵، صص ۲۶-۷.
- زاهدی، نسا و پورقره‌خان، رضا (۱۳۹۶). «منابع مالی داعش»، **دوفصلنامه سیاست‌نامه مفید**، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۶.
- شرقی، آرش (۱۳۹۴). «تروریسم دریایی: امنیت دریا و مسئولیت دولت‌ها»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، شماره ۳۱، سال ۱۱، صص ۱۵۷-۱۳۷.
- عباسی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۴). «اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز در مقایسه با تنگه‌های بین‌المللی جهان»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی**، شماره ۱۳، سال ۵، صص ۲۳-۸.
- عطوان، عبدالباری (۱۳۹۱). **سازمان سری القاعده**، ترجمه فرزانه شهیدی، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- فدوی، حبیب‌اله و کنعانی، مهدی (۱۳۹۵). «تحلیل واگرایی‌های سیاسی-امنیتی در روابط ایران و پاکستان»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۲۹، سال ۷، صص ۱۶۹-۱۴۱.
- محروق، فاطمه (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی تروریسم: مورد داعش»، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۴، سال ۷، صص ۱۵۲-۱۱۹.
- موسوی، جلیل و حسینی‌نسب، مرتضی (۱۳۹۴). «سلفیه جهادی در شبه‌جزیره: بررسی رویکرد و عملکرد القاعده شبه‌جزیره»، **پژوهشنامه نقد و هابیت: سراج منیر**، شماره ۱۸، سال ۵، صص ۷۹-۱۰۵.

- نقش استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اقتصادی در تداوم حیات گروه‌های... ۵
- میرزایی، علیرضا (۱۳۹۲). «سپاه صحابه و لشکر جهنگوی نماینده افکار افراطی سلفی‌گری»، **پژوهشنامه نقد وهابیت؛ سراج منیر**، شماره ۱۱، سال ۳، صص ۲۰۱-۱۷۱.
- نساج، حمید و همکاران (۱۳۹۴). «شناسایی و تأمین منابع مالی داعش»، **فصلنامه حبل‌المتین**، شماره ۱۱، سال ۴، صص ۳۷-۵۵.
- نیک‌نشان، شقایق (۱۳۹۱). «ایدئولوژی مبنایی برای عملکرد آموزش و پرورش: مقایسه پیامدهای ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم بر تعلیم و تربیت در کشورهای غربی»، **پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت**، شماره ۲.
- جکو، حسین (۲۰۱۳). «جبهه‌النصره: استراتیجیه خشنه للإستيلاء الناعم علی الثوره عبر ۳ مداخل»: <http://alhayat.com/Details/۴۷۰۱۸۰/۲۰۱۳/۰۱/۱۸>.
- A affaire de la Barcelona traction li ght and power company limited, amet du fevrier, (۱۹۹۵).
- Adam, Georgina (۲۰۱۶). "Antiquities: The Spoils of War". Financial Times. <http://www.ft.com/intl/cms/s/۰/۹۵۰b۸۷۴۰-e۱f۶-۱۱e۵-۹۲۱۷-۶ae۳۷۲۳a۲cd۱.html>, accessed ۱۹, ۴, ۲۰۱۶.
- Ahlert, Arnold (۲۰۱۵). "ISIS Trafficking Human Organs?". Frontpage Mag. <http://www.frontpagemag.com/fpm/۲۰۱۷۰۳>.
- Al-Mesbar (۲۰۱۸). "The Record on Qatari Support for Al-Nusra as Viewed by Western Sources". URL: <http://mesbar.org/> February ۱۵.
- Associated Press (۲۰۱۴). "Syria, Iraq Oil Controlled by Islamic State Group". September ۲۵, ۲۰۱۴.
- Bauer, Katherine (۲۰۱۷). "The Evolution of Terrorist Financing Methodologies and Responses". Strategic Sectors | Security & Politics, IEMed. Mediterranean Yearbook ۲۰۱۷, pp ۲۳۶-۲۳۸.
- Belli, Burcak et al, (۲۰۱۴). "The Business of the Caliph". Die Zeit, No. ۵۰. URL: [www.zeit.de/feature/islamicstate-is-caliphate](http://www.zeit.de/feature/islamicstate-is-caliphate).
- Boghardt, Lori Plotkin (۲۰۱۴). "Qatar Is a U.S. Ally. They Also Knowingly Abet Terrorism. What's Going On?". New Republic. <https://newrepublic.com/article/۱۱۹۷۰۵/why-does-qatarsupport-known-terrorists>, accessed ۲۹, ۱۱, ۲۰۱۵.
- Brisard, Jean-Charles & Martinez, Damien (۲۰۱۴). "Islamic State: The EconomyBased Terrorist Funding, Thomson Reuters Accelus". <http://accelus.thomsonreuters.com>. October ۲۰۱۴.
- Bronstein, Hugh (۲۰۱۰). "Colombia rebels, al Qaeda in "unholy" drug alliance". <https://www.reuters.com/article/us-drugs-colombia-qaeda-interview/-idUKTRE۶۰۳۴L۹۲۰۱۰۰۱۰۴>. January ۵.
- Callimachi, Rukmini (۲۰۱۴). "Paying Ransoms, Europe Bankrolls Qaeda

Terror".

URL:

<https://www.nytimes.com/2014/07/29/world/africa/ransoming-citizens-europe-becomes-al-qaeda-patron.html>.

- Callimachi, Rukmini (۲۰۱۸). "The ISIS File". available at: <https://www.nytimes.com/interactive/2018/04/04/world/middleeast/isis-documents-mosul-iraq.html>. ۰۴ April.

- Cockburn, Patrick (۲۰۱۴). "Iraq Crisis: How Saudi Arabia Helped ISIS Take Over The North Of The Country". Independent. <http://www.independent.co.uk/voices/comment/9602212.html>.

- Cohen, David S. (۲۰۱۵). "Attacking ISIL's Financial Foundation". URL: [www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl2672.aspx](http://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl2672.aspx).

- Combating Terrorism Center at West Point (۲۰۱۳). "Analysis of the State of ISI (English Translation)". September ۲۰۱۳.

- Ehrenfeld, Rachel (۲۰۱۱). "Drug trafficking, kidnapping fund al Qaeda". <http://www.cnn.com/2011/OPINION/05/03/ehrenfeld.al.qaeda.funding/index.html>. May ۴, ۲۰۱۱.

- Engel, Pamela (۲۰۱۵). "ISIS Has Found A Huge Moneymaking Method That's Impervious To Sanctions And Air Raids". Business Insider. <http://www.businessinsider.com/isis-taxation-extortion-system-2015-12>, accessed ۱۲, ۴, ۲۰۱۶.

- Fanusie, Yaya J. & Entz Alex (۲۰۱۷). "Al-Shabaab Financial Assessment". CSIF: Terror Finance Briefing Book, pp ۱-۲۳.

- FATF (۲۰۱۵). "Financing of the Terrorist Organisation Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL)". URL: <http://www.fatf-gafi.org/topics/methodsandtrends/documents/html>.

- Fisk, Robert (۲۰۱۵). "ISIS Profits From Destruction of Antiquities By Selling Relics To Dealers And Then Blowing Up The Buildings They Come From To Conceal The Evidence of Looting". Independent. <http://www.independent.co.uk/voices/10483421.html>.

- Gerdes, Luke M. et al (۲۰۱۴). "Assessing the Abu Sayyaf Group's Strategic and Learning Capacities". Studies in Conflict & Terrorism, Department of Behavioral Sciences and Leadership United States Military Academy West Point, NY, USA, Vol ۳۷, No ۳, pp ۲۶۷-۲۹۳.

- Gilligan, Andrew (۲۰۱۴). "How Our Allies in Kuwait and Qatar Funded Islamic State". The Telegraph. <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/kuwait/11077037/>.html.

- Heibner, Stefan et al (۲۰۱۷). "Caliphate in Decline: An Estimate of Islamic State's Financial Fortunes". The International Centre for the Study

of Radicalisation (ICSR), pp ۱-۱۶.

- Holley, Peter (۲۰۱۵). "The Tiny Pill Fuelling Syria's War And Turning Fighters Into Superhuman Soldiers".

<https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/۲۰۱۵/۱۱/۱۹>.

- Houreld, Katharine (۲۰۱۷). "Somali pirates hijack first commercial ship since ۲۰۱۲". URL:

<https://af.reuters.com/article/topNews/idAFKBN۱۶L۱۰۴-OZATP>, March ۱۴.

- Huynh, Cindy (۲۰۱۸). "Dark Web Powers the World's First Jihadi Cryptocurrency Crowdsourcing Effort". <https://btcmanager.com/> August ۳۱.

- Jacobson, Michael & Levitt, Matthew (۲۰۰۹). "staying solvent; assessing al-Qaeda's financial portfolio". Jane's Strategic Advisory Services, November, pp ۹-۱۳.

- Johnson, Keith (۲۰۱۴). "The Islamic State is the Newest Petrostate". Foreign Policy. URL: <http://foreignpolicy.com/۲۰۱۴/۰۷/۲۸>.

- Jones, Sam & Solomon, Erika (۲۰۱۵). "ISIS Inc: Loot And Taxes Keep Jihadi Economy Churning". Financial Times. <http://www.ft.com/cms/s/۲/aeae۸۹a۰۰-۹ff۱-۱۱e۵-beba۵e۳۳e۲b۷۹e۴۶.html>.

- Kambere, Geoffrey (۲۰۱۲). "Financing al-Shabaab: The Vital Port of Kismayo". <https://globalecco.org/>, Vol. ۲, No. ۳.

- Kaplan, eben (۲۰۰۶). "Tracking Down Terrorist Financing". <https://www.cfr.org/backgrounder/April۴>.

- Khatib, Lina (۲۰۱۵). "The Islamic State's Strategy: Lasting and Expanding". Carnegie Middle East Center, pp ۱-۳۳.

- Kiley, Sam (۲۰۱۸). "Funding al-Shabaab: How aid money ends up in terror group's hands". <https://edition.cnn.com/۲۰۱۸/۰۲/۱۲/africa/somalia-al-shabaab-foreign-aidintl/index.html>.

- Kriel, Robyn & Duggan, Briana (۲۰۱۷). "Somali pirate kings are under investigation for helping ISIS and al-Shabaab". URL: <https://www.cnn.com/۲۰۱۷/۰۷/۱۰/africa/index.html>, July ۱۰.

- Levitt, Matthew (۲۰۱۴). "Terrorist Financing and the Islamic State". URL: [www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view](http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view).

- Lister, Charles (۲۰۰۵). "Cutting Off ISIS' Cash Flow". Technical report.

- Masi, Alessandria (۲۰۱۵). "Turkey, Russia, Iraq and Syria: The Black Market Oil Trade That's Fueling ISIS And Dividing The Terrorist Group's Opponents". International Business Times. <http://www.ibtimes.com/۲۲۱۷۴۷۶>, accessed ۳, ۴, ۲۰۱۶.

- McCoy, Terrence (۲۰۱۴). "This is how Boko Haram funds its evil". <https://www.washingtonpost.com/news/morning-mix/wp/۲۰۱۴/۰۶/۰۶>.

- Michael, George (۲۰۱۴). "Counterinsurgency and Lone Wolf Terrorism". *Terrorism and Political Violence*, Vol. ۲۶, Issue ۱, pp ۴۵-۵۷.
- Moore, Jack (۲۰۱۷). "ISIS Members Plundered \$۸۰۰ Million From Iraq, Central Bank Says". URL: <https://www.newsweek.com/۶۴۸۴۹۲>.
- Myers, Steven lee & Nicholas Kulish (۲۰۱۶). "'Broken System' Allows ISIS To Profit From Looted Antiquities". <http://www.nytimes.com/۲۰۱۶/۰۱/۱۰/world/europe/iraqsyria-antiquities-islamic-state.html>, accessed ۱۹, ۴, ۲۰۱۶.
- News Corp Australia (۲۰۱۴). "How Does ISIS Get Its Hostages?". <http://www.news.com.au/world/news-story/۸۵۶۸۴۴۵۴۳۸۷fd۹afa۷۰۴۳۶d۱dc۵c۸۳f۶>.
- Norton, Ben (۲۰۱۶). "Saudi Arabia Funds And Exports Islamic Extremism: The Truth Behind The Toxic U.S. Relationship With The Theocratic Monarchy". Salon Media Group. <http://www.salon.com/۲۰۱۶/۰۱/۰۶/> accessed ۲۵, ۲, ۲۰۱۶.
- O'brien, McKenzie (۲۰۱۲). "Fluctuations Between Crime and Terror: The Case of Abu Sayyaf's Kidnapping Activities". *Terrorism and Political Violence*, Vol. ۲۴, No. ۲, pp ۳۲۰-۳۳۶.
- Paletta, Damian and Adam Entous (۲۰۱۵). "Militants in Iraq Siphon State Pay". *Wall Street Journal*.
- Paraskova, Tsvetana (۲۰۱۸). "Tax Income Earned ISIS Much More Than Oil Smuggling". available at: <https://oilprice.com/Geopolitics/Middle-East/html>. ۰۶ April.
- Peled, Daniella (۲۰۱۵). "ISIS And Saudi Arabia: A Dangerous Double Game". *Haarez*. <http://www.haaretz.com/middle-east-news/isis/۱,۶۹۳۸۲۱>, accessed ۷, ۴, ۲۰۱۶.
- Peters, Gretchen (۲۰۰۹). "How Opium Profits the Taliban". United States Institute of Peace; Library of Congress Cataloging-in-Publication Data, Washington DC, pp ۱-۴۴.
- Rand Corporation (۲۰۰۵). "Financing Terror An Analysis and Simulation for Affecting Al Qaeda's Financial Infrastructure", pp ۱-۲۴۳.
- Rand Corporation (۲۰۱۷). "Financial Futures of the Islamic State of Iraq and the Levant". pp ۱-۳۸.
- Reyes, Joseph Anthony L. & Smith, Tom (۲۰۱۵). "Analysing labels, associations, and sentiments in Twitter on the Abu Sayyaf kidnapping of Viktor Okonek". *Terrorism and Political Violence*, pp ۱-۱۹.
- Rock, Jason L. (۲۰۱۶). "The funding of Boko Haram and Nigeria's actions to stop it". Monterey, California: Naval Postgraduate School, pp ۱-۳۹.



- Rodrigue, Jean-Paul (۲۰۰۴). "Straits, Passages and Chokepoints A Maritime Geostrategy of Petroleum Distribution". Cahiers de Géographie du Québec, Vol. ۴۸, No. ۱۳۵, pp ۳۵۷-۳۷۴.
- Rollins, John & Sun Wyler, Liana (۲۰۱۳). "Terrorism and Transnational Crime: Foreign Policy Issues for Congress". Congressional Research Service; CRS Report for Congress, June ۱۱, pp ۱-۳۵.
- Shapiro, Jacob (۲۰۱۶). "A Predictable Failure: The Political Economy of the Decline of the Islamic State". Combating Terrorism Center at West Point; CTC Sentinel, Vol. ۹, Issue ۹, pp ۱-۳۲.
- Smith, Samuel (۲۰۱۵). "Young Girls Sell For \$۱۶۵ at Islamic State Slave Markets; Price List Verified by UN Official". CP World. <http://www.christianpost.com/news/۱۴۲۳۴۵>.
- Tait, Robert (۲۰۱۴). "ISIS' half-a-billion-dollar bank heist makes it world's richest terror group". URL: <https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/۱۰۸۹۹۹۹۵/html>.
- Taylor, Guy (۲۰۱۴). "Qatar Allows Money To Flow To Islamic State, Other Terrorists: Report". <http://www.washingtontimes.com/news/۲۰۱۴/dec/۱۰/ accessed ۶, ۴, ۲۰۱۶>.
- Thompson, Ginger (۲۰۱۵). "Trafficking in Terror". The New York Times, December ۱۴, ۲۰۱۵. <http://www.newyorker.com/magazine/۲۰۱۵/۱۲/۱۴/trafficking-in-terror>.
- Triebert, Christiaan & Komar, Rao (۲۰۱۶). "Jabhat Fateh al-Sham's income and resources". <https://www.hate-speech.org/ August ۱۵>.
- Ward, Alex (۲۰۱۷). "Pirates and terrorists are working together now in Somalia". URL: <https://www.vox.com/world/۲۰۱۷/۷/۱۳/۱۵۹۴۸۱۸۴/pirate-terrorists-somalia-isis-shabaab, Jul ۱۳>.
- Weber, Peter (۲۰۱۴). "Who's financing Boko Haram?". The Week, May ۱۲, ۲۰۱۴. <http://theweek.com/articles/۴۴۷۰۳۲>.
- [www.counterextremism.com/threat/nusra-front-jabhat-fateh-al-sham](http://www.counterextremism.com/threat/nusra-front-jabhat-fateh-al-sham).
- Zenn, Jacob (۲۰۱۳). "Boko Haram's Evolving Tactics and Alliances in Nigeria". Combating Terrorism Center at West Point, June ۲۵. <https://www.ctc.usma.edu/posts>.
- Zubair-Shah, Pir & Perlez, Jane (۲۰۰۹). "Taliban Exploit Class Rifts in Pakistan". New York Times, April ۱۶.